

مشکلات ازدواج‌های زودهنگام و ارائه راه حل برای آنها

سمیه مهاجر^۱، اعظم راستکار ثمرین^۲

چکیده

ازدواج را می‌توان یکی از جنبه‌های رشد و تعالی در انسان به شمار آورد که در سایه برخورداری از دانش و آگاهی لازم نسبت به این مقوله می‌تواند موجب رشد و تعالی روحی و جسمی فرد شود. در این میان، سن مناسب برای ازدواج در اثربخشی آن در تعالی روحی بسیار حائز اهمیت است. در حالی که مشاهده می‌شود ازدواج‌های زودهنگام، بدون وجود شناخت کافی صورت پذیرفته و نقش معکوسی در تعالی روحی و جسمی افراد برجای می‌گذارد. از این رو آسیب‌شناسی ازدواج زودهنگام به یکی از مسائل مهم در علوم اجتماعی مبدل شده است. از این رو هدف اصلی پژوهش حاضر نیز بررسی مشکلات ازدواج‌های زودهنگام و ارائه راه حل برای آنها است. پژوهش حاضر با تکیه بر ادبیات نظری و تجربی موجود از ازدواج زودهنگام، به تحلیل علل ازدواج زودهنگام و مشکلات ناشی از آن می‌پردازد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که عواملی چون تغییر هنجارهای اجتماعی، رسانه‌های جمعی، ارتباط خانوادگی، تبعیض جنسیتی، فقر، انگیزه کنترل روابط جنسی، سنت و فرهنگ، بلایا و شرایط اضطراری از جمله عوامل دخیل در ازدواج زودهنگام هستند. همچنین، الزامات قانونی متناسب با آموزه‌های دینی، بازدارندگی قانونی و ارائه آموزش‌های فرهنگی و اجتماعی مناسب از طریق رسانه‌ها و کارگاه‌های آموزشی برای خانواده‌ها به خصوص در مناطق کمتر برخوردار را می‌توان از مهمترین راه حل‌های جلوگیری از ازدواج‌های زودهنگام دانست.

واژگان کلیدی: ازدواج زودهنگام، آسیب‌شناسی ازدواج زودهنگام، سنت و فرهنگ.

^۱ طلبه سطح ۲ حوزه سیده النساء

^۲ استاد راهنما

۱. مقدمه

ازدواج یکی از اساسی‌ترین و در عین حال حساس‌ترین مراحل زندگی انسان به شمار می‌رود. انسان بنابر سرشت و ماهیت وجودی خویش و وابستگی به غیر در پاسخ به نیازهای درونی و بیرونی خود همواره از فردگرایی گریزان بوده است. حتی انسان بدوی نیز بی‌نیاز از زندگی مشترک (خانوادگی و گروهی) نبوده است. ازدواج اصلی‌ترین و عالی‌ترین نمود این پاسخ است و مظهری از قانون گروه گرایی اوست (یار احمدی، ۱۳۸۴).

از دیدگاه جامعه‌شناسی، ازدواج یک قرارداد اجتماعی و ضامن بقای نسل انسان است و آرامش و امنیت در یک جامعه، نتیجه ازدواج سالم و محیط آرام بخش خانواده است. اگرچه ازدواج عامل پیدایی خانواده است، اما ازدواج زودهنگام می‌تواند منجر به بروز اختلالاتی در پیدایش و شکل‌گیری خانواده‌های جدید و همچنین خود شخص گردد (بهنام، ۱۳۸۳).

ازدواج زودهنگام عبارت است از هر ازدواجی که در سنین زیر ۱۸ سالگی صورت گرفته، در صورتی که دختر از نظر جسمی، فیزیولوژیکی و روانی برای ازدواج و فرزندآوری آماده نیست (یونیسف^۱، ۲۰۰۶). در حال حاضر اگرچه بیشتر دختران در سنین بالا ازدواج می‌کنند، اما در بسیاری از مناطق ازدواج زودهنگام رایج است. به طور کلی، ۲۰ تا ۵۰ درصد از زنان در کشورهای در حال توسعه (به خصوص در صحرای جنوب آفریقا و جنوب آسیا) در سنین زیر ۱۸ سال ازدواج می‌کنند (سینک و سامارا^۲، ۲۰۰۹). البته در اغلب این موارد مسأله رضایت و پذیرش ازدواج از سوی هریک از طرفین، به ویژه دختر و رضایت به انجام عمل جنسی صدق نمی‌کند و اغلب موارد رابطه جنسی در سن ۱۰ یا ۱۱ سالگی اتفاق می‌افتد، یعنی قبل از رسیدن دختر به سن بلوغ آغاز می‌شود. در مقابل حتی به دنبال رد کردن ازدواج، خشونت شدید علیه دخترانی اتفاق می‌افتد که عموماً در خانواده‌های فقیر زندگی می‌کنند و به صورت‌های گوناگون مانند اسیدپاشی بروز می‌کند (پینریو^۳، ۲۰۰۶). با توجه به عواقب سوء و آثار منفی فراوانی که ازدواج زودهنگام بر سلامت، رشد و حقوق کودکان، به ویژه دختران دارد و اغلب با از دست دادن فرصت آموزش، منزوی شدن به لحاظ اجتماعی، بهره‌کشی و

^۱ United Nations Children's Fund (UNCF)

^۲ Singh and Samara

^۳ Pinheiro

خشونت‌های جسمی، جنسی و روانی از سوی شوهران خود همراه است، ضرورت اهمیت این پژوهش به خوبی نمایان می‌شود.

۲. علل ازدواج زودهنگام

سن شروع ازدواج در جوامع مختلف، باتوجه به جنسیت افراد (زن یا مرد) متفاوت است. عوامل تأثیرگذار در سن ازدواج را می‌توان سن بلوغ، آموزه‌ها و هنجارهای دینی و مذهبی، آداب و سنن، فرهنگ، هنجارهای اجتماعی، وضعیت اقتصادی، نوع شغل، میزان تحصیلات و جنسیت افراد دانست. نظام خانواده نیز یکی دیگر از عواملی است که در سن ازدواج موثر است. سن ازدواج در جوامعی که «نظام خانواده گسترده» شایع است، عموماً پایین است. در این نظام، برخلاف «نظام خانواده هسته‌ای» که مسئولیت بزرگ کردن فرزندان عمدتاً بر دوش والدین است، مسئولیت تربیت فرزندان بین همه اعضای خانواده مشترک است. لذا در جوامعی که نظام خانواده هسته‌ای رایج است، ازدواج آنقدر به تأخیر می‌افتد تا فرد بتواند از عهده این مسئولیت‌ها برآید. بنابراین می‌توان گفت که سن ازدواج، از بسیاری از عوامل اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی تبعیت می‌کند.

در اغلب جوامع حداقل سن برای ازدواج برای مردان و زنان با توجه به شرایط جسمانی، سن بلوغ و موازین و آموزه‌های عرفی و مذهبی تعیین می‌شود. تیلر (۱۳۸۸) در کتاب «باروری و جمعیت» بیان می‌کند که با توجه به این که یکی از عوامل اصلی ازدواج کشش جنسی است، عامل بلوغ در آن نقش اساسی دارد و ازدواج در بیشتر موارد پس از سن بلوغ انجام می‌شود. او در ادامه می‌افزاید: «البته شواهد نشان می‌دهد که نوسان سنی فوق بین جمعیت‌های مختلف دارای مبانی وراثتی است، ولی به طور کلی سن متوسط بلوغ در برخی از جوامع زودتر فرا می‌رسد و در برخی دیرتر. این نوسان عموماً متناسب با وضع تغذیه و استانداردهای زندگی در ارتباط است» (همان: ۸۱). شایان ذکر است که سن بلوغ به این مفهوم نیست که زنان باید بلافاصله بعد از آن ازدواج کنند. در این خصوص ساروخانی (۱۳۸۵) به نقل از آلن ژیراد اظهار می‌کند که: «آگاهی‌های جمعیت‌شناسانه درباره سن همسران به هنگام ازدواج بسیار مفید است. می‌دانیم که بیشتر اوقات افراد هنگامی باهم پیوند زناشویی می‌بندند که از لحاظ سنی به هم نزدیک باشند» (ساروخانی، ۱۳۸۵).

برخی محققان سطح زندگی اقتصادی- اجتماعی را از عوامل موثر در سن ازدواج بیان می‌کند و اظهار می‌کند که «در رژیم قدیم هر چه سطح زندگی پایین‌تر بود سن ازدواج دختر عقب‌تر می‌رفت ولی در سن ازدواج مردان تأثیری نداشت. از طرف دیگر هنگام بحران و کمی محصول، سن ازدواج در طبقات فقیر از دو حال خارج نبود، یا دخترها خیلی زود شوهر می‌کردند و یا اصلاً شوهر نمی‌کردند» او نتیجه می‌گیرد که هنگامی که سطح زندگی اقتصادی- اجتماعی در سطوح پایین‌تری قرار داشته باشد روز به روز بر میزان اختلاف سنی زنان و شوهران آنها و به بیان دیگر، ازدواج‌های زودهنگام بیشتر می‌شود (موسوی بلادی، ۱۳۸۷).

آشفته تهرانی (۱۳۸۵) بیان می‌کند که هر چه ازدواج بین زنان و مردان در سنین پایین‌تر و نزدیک‌تر به سن بلوغ صورت گیرد پیش‌رسی ازدواج در آن جامعه بیشتر است. در بیشتر کشورهای توسعه‌نیافته زنان کمتر از ۲۰ سال به زناشویی و فرزندزایی می‌پردازند و حال آن که در جامعه‌های پیشرفته سن زناشویی به منظور به تأخیر انداختن باروری حتی به بعد از ۳۵ سالگی نیز می‌رسد (آشفته تهرانی، ۱۳۸۵).

۱-۲. تغییر شرایط انسجام اجتماعی (تئوری کارکردگرایی دورکیم)

امیل دورکیم^۱ (۱۸۵۸-۱۹۱۶) در کتاب تقسیم کار اجتماعی خود با تأکید بر تغییر انسجام اجتماعی از مکانیکی به ارگانیکی، پیامدهایی چون: بروز بی‌هنجاری، اختلال و نابسامانی در روابط، قواعد و ارزش‌های اجتماعی را برای آن متصور می‌شود. به عقیده او تغییر وضعیت انسجام اجتماعی به جامعه ارگانیکی موجب تضعیف وجدان جمعی، رشد فردیت و منفعت طلبی در افراد و شیوع اختلال و ناهنجاری در ارزش‌ها می‌گردد. دورکیم، علت بروز هر عمل اجتماعی را در یک عامل اجتماعی دیگر جستجو می‌کند. بنابراین طبق تئوری کارکردگرایی دورکیم، تفاوت در وضعیت اجتماعی و تنوع در هنجارها و ارزش‌های اجتماعی و خانوادگی را می‌توان یکی از دلایل ازدواج زودهنگام به شمار آورد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶).

۲-۲. سلسله مراتب نیازهای مازلو^۲

^۱ Émile Durkheim

^۲ Maslow

مازلو نیازهای انسان را به صورت سلسله مراتبی دسته بندی می کند. نیازهای پایین یا دون و نیازهای عالی. در هرم نیازهای مازلو، نیازهای جسمی (نیاز پایین) از ابتدایی ترین نیازها به شمار می آیند. پس از ارضای نیازهای جسمی نیاز به ایمنی در مرتبه بالاتر هرم نیازها قرار می گیرد و بعد از آن روابط و احترام و در نهایت، در افرادی که تمامی نیازهایشان برطرف شده، نیاز متعالی به تفکر درباره معنی و محتوا (به خود رسیدن) مطرح می شود (رفیع پور، ۱۳۷۷). بر طبق این نظریه نیاز به عزت نفس، تأیید، احترام، منزلت و خویشتن یابی موجب گرایش به پدیده ای مانند ازدواج در سنین پایین می شود.

۳-۲. رسانه های جمعی

وسایل ارتباط جمعی یکی دیگر از نهادهای موثر در گرایش افراد به ازدواج است که وظیفه اطلاع رسانی به مردم و آگاه سازی آنان را نسبت به پدیده های اجتماعی و فرهنگی بر عهده دارد. رسانه با تأثیر بر عقاید، ارزش ها و انتظارات افراد، ارزش ها و سبک زندگی آنان را تغییر خواهد داد (بابائی، ۱۳۸۹).

امروزه جوانان در مقایسه با گذشته کمتر به ارزش های حاکم بر خانواده ارج می نهند و تنها اماکن آموزشی و مذهبی و نهادهای اجتماعی جایگزین نقش تربیتی فرزندان نشده اند، بلکه رسانه نیز نقش مهمی در این میان بر عهده دارد و موجب القای بسیاری از الگوهای رفتاری و تصمیم گیری در نوجوانان و جوانان می شود (ابراهیمی و فخرایی، ۱۳۹۴).

جامعه شبکه ای امروزه به عنوان یک پدیده نوظهور، پیامدهای مثبت و منفی بر هویت دینی و اجتماعی برجای می گذارد. از جمله پیامدهای مثبت آن می توان به افزایش منابع هویتی و آزادی عمل افراد برای کسب منابع مورد نیاز، رهایی افراد از ایدئولوژی های هویت ساز خاص، فراهم آمدن واقعیت به گونه ای مجازی، دسترسی آسان به اطلاعات و منابع معرفتی و فقدان موانع در این راستا اشاره کرد. از سوی دیگر از پیامدهای منفی چنین پدیده ای نیز می توان به دگرگونی منابع فرهنگی، به چالش کشیدن هویت های اصیل و سنتی، رواج هویت های سیال و ناپایدار اشاره کرد (صدیق اورعی، ۱۳۸۶). از دواج های زود هنگام نیز می توانند تأثیر پذیرفته از کثرتابی های وسایل ارتباط جمعی و رسانه ها باشند. رسانه ها با تأثیر بر الگوهای فکری و شخصیتی جوانان و خانواده ها، پتانسیل بالایی در ایجاد اریب رفتاری اجتماعی در والدین و در نتیجه، ازدواج زود هنگام فرزندان آنان شوند.

۴-۳. آثار سوء روانی و عاطفی

یکی از تأثیرات مخرب ازدواج کودک و در عین حال کم توجه، اثرات منفی است که بر روح و روان کودک از خود به جا می‌گذارد، به گونه‌ای که حتی در پسران کمتر از دختران تأثیرش لحاظ می‌شود. در واقع با چنین ازدواجی، کودک به نوعی از دوران کودکی خود فاصله گرفته و ارتباطش با خانواده و دوستانش قطع شده و از دیگر سو مسئولیت زندگی نیز مزید بر علت می‌شود و فعالیتش محدود به امور خانه و بچه داری خواهد شد، لیکن منجر به پیدایش افسردگی و اضطراب می‌شود. از این رو کودکان به دلیل عدم تحمل شرایط نابرابر و ناتوانی در قدرت حل مشکلات، معمولاً فرار از خانه، خودکشی و یا کشتن همسر را انتخاب می‌کنند که بیشتر چنین اعمالی در زنانی مشهود است که با فقر مالی، آموزشی و مهارتی و عدم توازن قدرت، حمایت قانون و دیگر افراد را برای خود نمی‌یابند، لیکن دست به چنین اقداماتی می‌زنند (مقدادی و جوادپور، ۱۳۹۶).

۴. بلوغ ازدواج از منظر اسلام

خداوند در آیه ۶ سوره نساء می‌فرماید: «و یتیمان را (نسبت به امور زندگی) بیازمایید تا زمانی که به حد ازدواج برسند، پس اگر در آنان رشد لازم را یافتید، اموالشان را به خودشان بدهید.» همانگونه که به خوبی مشهود است، به موجب آیه شریفه مزبور، مسأله بلوغ نکاح و رشد قابل تأمل است. از آنجا که ازدواج یکی از حساس‌ترین وقایع زندگی انسان محسوب می‌شود و نیز از مهمترین نهادهای حقوقی است، بی تردید مستلزم قدرت و شایستگی برای ازدواج است، یعنی نه تنها در کنار رسیدن به بلوغ جنسی و توانایی برای رابطه زناشویی و آمیزش، قدرت اجتماعی برای تشکیل خانواده نیز ضرورت دارد، بلکه چون آغاز زندگی زناشویی با آغاز زندگی اقتصادی مستقل همراه است، شخص باید از قدرت اقتصادی لازم نیز برخوردار شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴). یعنی رشد که از آن به عقل و قدرت تدبیر در امور مالی یاد می‌شود و یکی از راه‌های حصول آن آزمایش (اختبار) کودک است، به گونه‌ای که در مردان از طریق امتحان آنها با معاملاتی که در شأن آنهاست و در زنان با آزمایش کردن آنها در اموری همچون عدم اسراف و تبذیر، خیاطی و... که مرتبط با خانه داری است، ضمن اینکه متناسب با شأن آنهاست، صورت می‌پذیرد. بر این اساس، از تلفیق بلوغ نکاح و رشد، می‌توان بلوغ اشد را به اثبات رساند، یعنی زمانی که کمال قوای عقلی، فکری و استحکام قوای جسمی کودک به مرحله

ظهور می‌پیوندند. بنابراین باید ظرفیت جسمانی و درک و فهم روانی ایده آلی به دست آید که شخص را آماده پذیرای زندگی مشترک و حقوق و تکالیف مهم آن نماید (مقدادی و جوادپور، ۱۳۹۶).

۵. نتیجه گیری

ازدواج یک پیوند عاطفی است که نیاز به رشد ذهنی، عاطفی، فرهنگی و اجتماعی دارد و در حقیقت نوعی بلوغ اجتماعی است که می‌تواند زمینه‌ساز عواطف بوده و همچنین تقویت بلوغ جنسی را به همراه داشته باشد. این تغییرات می‌تواند گرایش جنسی را نسبت به جنس مخالف تقویت کند، اما به یقین این اتفاق نمی‌تواند جای عواطف و مفاهیم عالی ازدواج را پر کند. حال اینکه، مقوله ازدواج لزوماً در زمان و شرایط مناسب اتفاق نمی‌افتد و گاهی با آسیب‌هایی چون ازدواج زودهنگام همراه است. نمودی از آسیب‌های ازدواج زودهنگام را می‌توان در محروم شدن از تحصیل، فاصله گرفتن از دوستان، محدودیت در روابط و سختی تحمل مسئولیت‌های زندگی مشترک بدون آموزش اولیه اعلام کرد. این عدم بلوغ روانی و عدم درک درست از مسئولیت‌پذیری شرایطی را به وجود می‌آورد که دختران شامل این ازدواج‌ها منزوی شده و خشونت، اضطراب و افسردگی به دلیل پذیرش زودهنگام مسئولیت در آنها نمودی واقعی می‌یابد. اگرچه در ازدواج‌های با سنین بالا نیز، به عنوان نقطه مقابل ازدواج زودهنگام، تفکر صریح در مورد عقاید و اهداف، داشتن معیارهای روشن و واضح در انتخاب همسر، بلوغ عاطفی و پختگی تصمیم‌گیری و دور بودن از تصمیمات هیجانی را می‌توان به عنوان یک مزیت معرفی کرد، اما از نمونه‌های منفی در ازدواج سنین بالا را می‌توان سخت‌گیری در انتخاب همسر و فشارهای فرهنگی به ویژه برای دختران دانست و این رفتارها می‌تواند همراه با استرس و اضطراب باشد و در کنار آن اشتغال ذهنی و نگرانی‌های درونی در ازدواج و دغدغه‌هایی در مورد تولید مثل در گروه جنسی دختران را منجر شود. بنابراین تشخیص بلوغ جسمی، فکری و روحی در افراد یکی از مهمترین عوامل بازدارنده از ازدواج‌های زودهنگام است. از طرفی درک و آگاهی کامل نسبت به حالات روحی و عاطفی فرد و چشم اندازهای آتی او نقش بسزایی در جلوگیری از افزایش سن ازدواج خواهد داشت. چه بسا، نقش حاکمیت نیز در افزایش امید به زندگی و تصمیم به ازدواج غیر قابل انکار است و در جوامعی که ضعف فرهنگی و اجتماعی منجر به بروز ازدواج‌های زودهنگام یا دیرهنگام می‌شود، حاکمیت قانون می‌تواند نقشی اساسی در این خصوص ایفا نماید. همچنین تأثیر

آموزه‌های دینی در شکل‌گیری افکار و ادراک از ازدواج نیز بی‌تأثیر نیست و شاید حتی بتوان بخش بزرگی از ازدواج‌های زودهنگام در جوامع ایدئولوگ را ناشی از نگرش‌های دینی و مذهبی در آنان دانست. بنابراین به عنوان مهمترین ابزار جلوگیری از ازدواج‌های زودهنگام و ترغیب جوانان برای کاهش معقول سن ازدواج (جهت جلوگیری از آسیب‌های ازدواج در سنین بالا) می‌توان به ارکان و نهادهای دینی و دولتی اشاره کرد. بنابراین، الزامات قانونی متناسب با آموزه‌های دینی، بازدارندگی قانونی و ارائه آموزش‌های فرهنگی و اجتماعی مناسب از طریق رسانه‌ها و کارگاه‌های آموزشی برای خانواده‌ها به خصوص در مناطق کمتر برخوردار را می‌توان از مهمترین عوامل بازدارنده و راه حل‌های جلوگیری از ازدواج‌های زودهنگام دانست.

منابع

- [۱] ابراهیمی، حبیب؛ فخرایی، سیروس (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با ازدواج زودرس در شهرستان نقده، مطالعات جامعه‌شناسی، ۶ (۲۱): ۹۳-۱۱۰.
- [۲] آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی خانواده ایرانی، تهران: انتشارات سمت.
- [۳] آشفته‌تهرانی، امیر (۱۳۸۵). آمارهای زیستی در ایران و جهان، فصلنامه جمعیت، سازمان ثبت احوال. شماره ۱۵ و ۱۶.
- [۴] افتخارزاده، سیده زهرا (۱۳۹۴). تجربه زیسته زنان در ازدواج زودهنگام، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، ۱ (۳): ۱۵۶-۱۰۸.
- [۵] بابائی، محمد (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، ترجمه: اردلان. تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- [۶] بهنام، جمشید؛ راسخ، شاپور (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران، تهران: انتشارات خوارزمی.
- [۷] تیلر، هوارد سی. (۱۳۸۸). باروری و جمعیت، ترجمه: پورانصاری. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- [۸] رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷). سنجش‌گرایش روستاییان نسبت به جهادسازندگی، تهران: وزارت جهاد سازندگی.
- [۹] ساروخانی، باقر (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: انتشارات سروش.
- [۱۰] صدیق‌اورعی، غلامرضا (۱۳۸۶). مسائل اجتماعی جوانان، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- [۱۱] گرت، استفانی (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی جنسیت، مترجم: کتایون بقایی، تهران: دیگر.
- [۱۲] مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر مطالعات زنان، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی.
- [۱۳] مقدادی، محمد مهدی؛ جوادپور، مریم. (۱۳۹۶). تأثیر ازدواج زودهنگام بر سلامت جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن، فصلنامه حقوق پزشکی، ۱۱ (۴۰): ۳۳-۶۰.
- [۱۴] مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، جلد اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ص ۲۷۲.
- [۱۵] موسوی بلادی، صدرالدین (۱۳۸۷). بررسی تحول ازدواج در ایران. فصلنامه جمعیت، سازمان ثبت احوال تهران. شماره ۲۷ و ۲۸.

[۱۶] یاراحمدی، علی (۱۳۸۴). بررسی تأثیر ازدواج زودهنگام بر ترک تحصیل زنان نوجوان در ایران با رویکرد چند سطحی، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.

[۱۷] CARE International (۲۰۱۵). Vows of Poverty: ۲۶ Countries Where Child Marriage Eclipses Girls' Education, p. ۱۵.

[۱۸] Davis A, Postles C, Rosa G.(۲۰۱۳). A Girl's Right to Say No to Marriage: Working to End Child Marriage and keep Girls in Schools. United States: Published by Plan Limited (is a wholly owned subsidiary of Plan International). p. ۶-۵۵.

[۱۹] Pinheiro PS.(۲۰۰۶). World Report Violence against Children. Geneva: United Nations; ۲۰۰۶. p. ۵۸, ۶۰.

[۲۰] Singh S. R. Samara. (۲۰۰۹). "Early marriage Among Women in Developing Countries", International Family Planning Perspectives. ۲۲ (۴): ۱۴۸-۱۷۵.

[۲۱] UNFPA. (۲۰۰۶). Ending Child Marriage: A Guide For Global Action, International Planned Parenthood Federation and the Forum on Marriage and the Rights of Women and Girls, London.

[۲۲] World Health Organization (۲۰۱۲). Early Marriages. Adolescent and young Pregnancies: Report by the Secretariat of the World Health Organization. Sixty-Fifth World Health Assembly. p. ۲-۳.